

دو فصلنامه علمی تاریخ نگاری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و یکم، دوره جدید، شماره ۲۸، پیاپی ۱۱۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۰
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۲۵۵-۲۲۹

مفاهیم دوگانه در قلمرو دانش تاریخ نگاری ایران: نقد راه رفته و طرح راه جدید^۱

علیرضا ملایی توانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۱

چکیده

دانش تاریخ نگاری یکی از شاخه های جدید علوم تاریخی است که موضوع آن تأمل نقادانه هم در متن های تاریخ نگارانه و هم در اندیشه، گفتمان، سبک، روش و دستاوردهای مورخان است. تاکنون دانش تاریخ نگاری در ایران به شکل های گوناگون دریافت شده و در نتیجه، نگرانی ها و مخاطرات فراوانی به بار آورده است. تأمل نقادانه در پژوهش های انجام شده نشانگر آن است که عمدتاً از دوگانه های مفهومی «بینش و روش» و نیز «تاریخ نگاری و تاریخ نگاری» به عنوان چارچوب تحلیل در این پژوهش ها استفاده شده است، اما مسئله این است که از همین مفاهیم نیز معنای متفاوتی مراد شده و پژوهشگران این عرصه را سرگردان کرده است. مقاله حاضر با نقد دوگانه های موجود و نشان دادن نحوه کاربست این مفاهیم در برخی از پژوهش ها، می کوشد برخی از آشفتگی های نظری و عملی آن را آشکار کند و به این پرسش پاسخ دهد که آیا می توان به چارچوب روش شناختی تازه ای در این مسیر دست یافت. مقاله برای برون رفت از این وضعیت آشفتگی کنونی به این نتیجه می رسد که باید طرحی تازه در چارچوب «دانش تاریخ نگاری» و شاخه های اصلی آن یعنی «مورخ شناسی» و «متن شناسی تاریخی» درآفکند. مقاله سرانجام سه قالب پژوهشی «مورخ محور»، «متن محور» و رهیافت «ترکیبی» را پیشنهاد می کند و از رویکردهای مفهومی - نظری فلسفه علم تاریخ و فلسفه نظری تاریخ به عنوان چارچوب تحقیق در این دانش سخن می گوید.

کلیدواژه ها: بینش، روش، تاریخ نگاری، تاریخ نگاری، مورخ شناسی، متن شناسی تاریخی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2021.33257.1467

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.20088841.1400.31.28.9.6

۲. استاد تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات تاریخ فرهنگی، تهران، ایران. ar.mollaiy@ihsc.ac.ir

مقدمه

اگر از تلاش‌های پراکنده‌ای که در ایران به صورت ذوقی ذیل مفهوم تاریخ‌نگاری صورت گرفته‌اند، صرف‌نظر کنیم، تاکنون بیشتر فعالیت‌های پژوهشی این حوزه در چارچوب مفاهیم دوگانه «بینش و روش» یا «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری» سامان یافته‌اند که در چند دهه گذشته معناها و کارکردهای فراوانی پیدا کرده‌اند. هرچند قدمت دوگانه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری به سال‌های پیش از انقلاب و به‌طور مشخص به انتشار اثر مشهور تاریخ در ترازو (۱۳۵۴) اثر عبدالحسین زرین‌کوب بازمی‌گردد تا اواخر دهه ۱۳۸۰ش مهجور ماند و عملاً جایگاه خود را به دوگانه «بینش و روش» سپرده بود. تنها با انتشار مجله تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری در سال ۱۳۸۸ خورشیدی بود که جایگاهش را به‌عنوان رقیب و گاه مکمل دوگانه بینش و روش بازیافت.

اکنون با توجه به کارکردهای گوناگون مفاهیم یادشده این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که این مفاهیم چیستند و از چه ماهیتی برخوردارند و چگونه معنا شده‌اند، دریافت‌ها و رهیافت‌های ما از این مفاهیم تا چه میزان پاسخ‌گوی نیازهای امروز ما در دانش تاریخ‌نگاری است؟ این دوگانه‌ها چه نسبتی با یکدیگر دارند؟ چرا چرخش از یک دوگانه به دوگانه دیگر رخ داد؟ و سرانجام، راه‌حل چیست و چگونه می‌توان دوگانه جامع‌تر و کامل‌تری از دوگانه‌های موجود طرح کرد؟

روشن است که این مقاله نه درصدد پاسخ‌گویی به همه این پرسش‌هاست و نه همه پویندگان دانش تاریخ‌نگاری از همین دوگانه‌ها بهره برده‌اند، اما عمده پژوهشگران این عرصه از نفوذ تعیین‌گر این مفاهیم و کارکردهای آن در امان نبوده‌اند؛ بنابراین، مسئله این است که با توجه به سیطره مفاهیم دوگانه «بینش و روش» یا «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری» بر دانش تاریخ‌نگاری ایران، چگونه می‌توان همه مسائل و موضوعات پیچیده مرتبط با تاریخ‌نگاری را در پرتو این دوگانه‌ها توضیح داد، کاستی‌ها و نارسایی‌های این مفاهیم چیستند و راه‌برونرفت چیست؟

در پاسخ به این مسئله، نوشته حاضر می‌کوشد، پیچیدگی، گستره و میدان عمل دانش تاریخ‌نگاری را نشان دهد و از این واقعیت سخن بگوید که اگر این مفاهیم به نحو شایسته‌ای معنا نشوند و یک اتحاد معناشناختی یا درک مشترکی درباره آن‌ها شکل نگیرد در دانش تاریخ‌نگاری گرفتار آشفتگی فکری و معرفتی می‌شویم و کارکردهای ناهمساز این مفاهیم چنان عرصه را بر پژوهشگران تنگ می‌کنند که آن‌ها مدام بین تعبیرها و برداشت‌های گوناگون سرگردان می‌کند؛ زیرا همان‌طور که هیوز گفته است، رایج‌ترین خطا در نگارش تاریخ

اندیشه‌ها برداشت‌های متفاوت و نادرست از مفاهیم اصلی است (هیوز، ۱۳۸۱: ۴). با توجه به آنچه گفته شد، نگارنده درصدد تبارشناسی این مفاهیم نیست و قصد ندارد تلاش‌های محققانی را که در این راه گام برداشته‌اند، کم‌ارزش بینگارد؛ بلکه می‌کوشد با تأملی نقادانه در راه رفته، هم نارسایی‌های معنایی و کارکردی این دوگانه‌ها را نشان دهد و هم از ضرورت فراتر رفتن دانش تاریخ‌نگاری ایران از این دوگانه‌ها سخن بگوید و سرانجام از یک چارچوب روش‌شناختی تازه در قالب دوگانه‌ای دیگر برای هدایت پژوهش‌های این حوزه دفاع کند.

۱. دانش تاریخ‌نگاری چیست؟

ارزیابی تجربه‌ی ما ایرانیان نشان می‌دهد که هنوز مقوله‌ی دانش تاریخ‌نگاری و میدان نظر و عمل در آن به موضوع تفکر تبدیل نشده و جز چند گفت‌وگو و سخنرانی، پژوهشی منسجم درباره‌ی تاریخ‌نگاری مفاهیم مرتبط با آن نگرفته است. در نتیجه، دانش انباشته و معتبری در این زمینه تولید نشده است. این در حالی است که میدان اندیشه و عمل در دانش تاریخ‌نگاری به‌ویژه در چند دهه‌ی اخیر متأثر از رهیافت‌های پی‌ساختارگرایی و ایده‌های انتقادی پسامدرن چنان گسترش و تحول یافته است که دیگر نمی‌توان آن‌ها را در چارچوب دوگانه‌های رایج در ادبیات تاریخ‌نگاری ایران توضیح داد.

یکی از آشکارترین مشکلات ما در این میدان، فقدان وفاق نسبی بر سر مفاهیم بنیادین این دانش و کارکردهای آن است. به‌عنوان نمونه حسین مفتخری که مبسوط‌ترین بحث را در این باره ارائه کرده، معتقد است، در دانش تاریخ‌نگاری آثار مورخان از دو جنبه بررسی می‌شوند: نخست، جنبه‌های صوری و دوم، جنبه‌های اندیشه‌ای. در تاریخ‌نگاری مبنای کار، جمع‌آوری و نقد اسناد نیست. جمع و نقد اسناد و تحلیل آن کار مورخ^۱ است نه تاریخ‌نگار^۲. کار تاریخ‌نگار تاریخ‌شناسی است. تاریخ‌نگاری^۳ به‌عنوان معرفت درجه‌ی دو، تاریخ علم تاریخ است. علم تاریخ علم پیشینی است و تاریخ‌نگاری علم پسینی است و از نظر منطقی ابتدا علم تاریخ پدید آمده سپس تاریخ‌نگاری. مورخان وقتی خودشان تاریخ می‌نویسند سوژه^۴ هستند، اما اینجا ابژه^۵ اند، زیرا دیگران کارهای آن‌ها را بررسی می‌کنند (مفتخری، ۱۳۹۳: ۱۹). مفتخری می‌نویسد، هنگامی که ویژگی‌های صوری و نهفته در کار مورخی چون طبری را بررسی کنیم در قلمرو

-
1. Historian
 2. Historiographer
 3. Historiography
 4. Subject
 5. ubject

تاریخ‌نگاری گام برداشته‌ایم. تاریخ‌نگاری به دنبال این است که بدانند مورخ در تاریخ‌نویسی تحت تأثیر چه گفتمان‌هایی قرار داشته و ویژگی‌های صوری کار او چه بوده و چه تغییر و تحولی را پشت سر نهاده است. نگرش تاریخی مورخان به تاریخ و هستی و نگاه مورخ به علم تاریخ و دانش تاریخ چه بوده است (همان: ۱۹).

چکیده باور مفتخری این است که تاریخ‌نگاری، تطور و تحول تاریخ‌نویسی و نیز تطور و تحول مفهوم تاریخ را در نزد مورخان بررسی می‌کند و منابع مکتوب تاریخی، یعنی تولیدات مورخان، موضوع بررسی تاریخ‌نگاری است. به عبارت دیگر تاریخ‌نگاری ویژگی‌ها و جنبه‌های صوری یا ظاهری اثر تاریخی و نیز اندیشه‌های بنیادین مورخ را که در اثر تاریخی او نهفته است بررسی می‌کند. به باور نگارنده، مفتخری دقیق‌ترین برداشت را از معنای دانش تاریخ‌نگاری و میدان عمل آن، در میان کسانی که در این باره مطلب نوشته‌اند، عرضه کرده است. این در حالی است که بسیاری از کوشندگان این مسیر، این دانش را تا مرز کتاب‌شناسی توصیفی، معرفی منبع‌شناسانه و بیان ویژگی‌های اثر فروکاسته‌اند (به‌عنوان نمونه می‌توان به آثاری چون تاریخ‌نگاران (حمیدی، ۱۳۷۲)؛ تاریخ‌نگاران و مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام (زین‌العابدینی، ۱۳۸۸)؛ تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مأخذ (ثواب، ۱۳۸۰) و... اشاره کرد) که اینک فرصت طرح آن فراهم نیست. با این‌همه در سخنان مفتخری ناسازگاری‌هایی وجود دارد که دانش تاریخ‌نگاری ایران از بدو شکل‌گیری‌اش تاکنون به نحوی با آن روبه‌رو بوده است. طبعاً در این بررسی باید هم به فلسفه نظری یعنی ایدئولوژی، انسان‌نگری، جهان‌نگری، هستی‌شناسی مورخ و تاریخ‌نگری او توجه کرد و هم به نگاهش به علم و فلسفه علم تاریخ و مسائل آن از جمله بی‌طرفی، روش و معرفت (همان: ۲۰).

نخست، اینکه وی تاریخ‌نگاری را از تاریخ‌نویسی متمایز کرده و آن دو را در دو معنای متفاوت به کار برده است. (تاریخ‌نگاری را معادل تاریخ علم تاریخ و تاریخ‌نویسی را به معنای پژوهش و نگارش رخداد‌های تاریخی). حال آنکه این دو مفهوم در ادبیات تاریخی ایران از نظر واژگانی و منطقی، معنای یکسانی دارند؛ دوم، آنچه ایشان در ذیل مفهوم تاریخ‌نگاری گفته‌اند در اصل همان «تاریخ تاریخ‌نگاری»^۱ است نه «تاریخ علم تاریخ»؛ سوم، واژه تاریخ‌نگاری در معنایی که ایشان به کار می‌برند نه راهگشا است و نه با اهداف و کاربردی که برای مفهوم تاریخ‌نگاری برشمرده‌اند، سازگار است. چنین برخوردی با مفاهیم تنها بر دامنه ابهام‌ها و سردرگمی‌ها خواهند افزود.

پس چه باید کرد؟ با توجه به جنبه‌های پیچیده این موضوع، و وجود یک معرفت خاص،

پیشنهاد نگارنده استفاده از مفهوم «دانش تاریخ‌نگاری» یا همان «تاریخ تاریخ‌نگاری» به‌جای مفهوم صرف «تاریخ‌نگاری» است. گنجاندن واژه «دانش» دقیقاً به معنای وجود شاخه مستقلی از معرفت یا «دانشی» درباره تاریخ‌نگاری است؛ بنابراین، نگارنده هر پژوهشی را که ناظر بر فعالیت‌های مورخانه و متن‌های تاریخ‌نگارانه باشد، زیرعنوان «دانش تاریخ‌نگاری» صورت‌بندی می‌کند و کنشگران علمی این میدان را پژوهشگر «دانش تاریخ‌نگاری» می‌نامد. این دانش به‌عنوان معرفت نوع دوم، ترکیبی از مباحث فلسفه علم تاریخ (روش‌شناسی و معرفت‌شناسی تاریخی) و رهیافت‌های فلسفه نظری تاریخ است که خود دارای دو شاخه اصلی است: نخست، «مورخ‌شناسی» و دوم، «متن‌شناسی تاریخی». متخصص اولی را «مورخ‌شناس» و دومی را «متن‌شناس تاریخی» می‌نامیم.

نگاه واقع‌بینانه آن است که قلمرو «دانش تاریخ‌نگاری» چنان گسترده و متحول شده است که به‌آسانی نمی‌توان دامنه آن را مشخص کرد یا همگان را به حرکت در آن چارچوب فراخواند. چه ایجاد هر چارچوبی ممکن است به جزم‌اندیشی، انحراف و نفی خلاقیت بینجامد و پژوهشگران را درون قالب‌های تنگ زندانی کند؛ زیرا تاریخ‌نگاری ترکیبی از روش، معرفت، تفکر، گفتمان، روایت و ایدئولوژی است. به همین دلیل، میدان پژوهشی آن چند لایه و چند ساحتی است و تنها در پناه نظریه پیچیدگی ادگار مورن^۱ می‌توان آن را توضیح داد که هدفش نشان‌دادن وجه انسانی شناخت و قطعیت‌نداشتن آن است (مورن و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۷-۴۶).

بنابراین، تلاش در میدان تاریخ‌نگاری نیازمند داشتن مهارت‌ها و تخصص‌های گوناگون رشته‌ای و میان‌رشته‌ای است که مهم‌ترین آن احاطه نسبی بر اغلب شاخه‌ها و دانش‌های علوم تاریخی از منبع‌شناسی تا هستی‌شناسی، از روش‌شناسی تا فلسفه نظری تاریخ. با توجه به آنچه گفته شد، چرخه تولید علم در میدان «دانش تاریخ‌نگاری» سه ضلع اصلی دارد: نخست، پژوهشگر (مورخ‌شناس یا متن‌شناس تاریخی) که در قلمرو دانش تاریخ‌نگاری تفکر و تحقیق می‌کند؛ دوم، متن تاریخ‌نگارانه که موضوع و ابژه مطالعات پژوهشگران این دانش است و سوم، مورخی که با ذهن و زبان خود متن تاریخ‌نگارانه را پدید آورده و نحوه زیستن، اندیشیدن، پژوهش کردن او و نیز یافته‌هایش موضوع تأمل پژوهشگر این حوزه است.

روشن است که از برخورد جهان ذهنی یا زیست‌جهان پژوهشگر با جهان متن و جهان مورخ، «دانش تاریخ‌نگاری» و شاخه‌های این دانش یعنی «مورخ‌شناسی» و «متن‌شناسی تاریخی» زاده می‌شود. در این فرایند هم تداخل افق‌های سه‌گانه (جهان ذهنی پژوهشگر، جهان متن و جهان مورخ) در پرتو مسائل عصری پژوهشگر رخ می‌دهد و هم مفاهیم، روش‌ها،

روایت‌ها، رهیافت‌ها و یافته‌های موجود در متن تاریخ‌نگارانه با دانش‌ها، دانسته‌ها، فهم‌ها و پیش‌فهم‌ها و موقعیت‌هایی که مورخ در آن قرار داشته است، به هم می‌پیوندند و میدان عمل و نظر پژوهشگر را شکل می‌دهند.

۲. نقد چارچوب‌های مفهومی - نظری موجود

چنان‌که گفتیم مفاهیم دوگانه «بینش و روش» یا «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری» به‌رغم اختلاف نظری که دربارهٔ معنا و کارکردهای آن‌ها وجود دارد تاکنون مهم‌ترین چارچوب مفهومی - نظری در ادبیات دانش تاریخ‌نگاری ایران بوده است، اما همین مفاهیم هدایتگر اصلی بسیاری از پژوهش‌های ایرانیان در قلمرو دانش تاریخ‌نگاری بوده است. اینک ضمن ارزیابی کوتاه این مفاهیم، به نحوهٔ کاربست آن‌ها در برخی از پژوهش‌های موجود اشاره می‌شود:

الف. دوگانهٔ بینش و روش

به نظر می‌رسد، دوگانهٔ بینش و روش برگردان از زبان انگلیسی^۱ است. در ادبیات تاریخ‌نگارانهٔ ایرانی نخستین بار این دوگانه در کتاب *بینش و روش در تاریخ‌نگاری معاصر* به کار رفت و رضاقلی نظام‌مافی در واپسین فصل این کتاب، به معناها و کارکردهای این مفاهیم پرداخت. او «روش» را در معنای متعارف آن به کار برد، اما مفهوم «بینش» را کلی‌تر از روش دانست و نوشت، بینش «الگویی است که به یک تحقیق علمی، چارچوب، سازمان و جهت می‌دهد.» (نظام‌مافی، ۱۳۶۵: ۱۲۳-۱۲۲).

نظام‌مافی مؤلفه‌های بینش را مفهوم‌سازی، عامل نظری، قواعد تعبیر، معماها، ضوابط معماها و نیز جهت و اساس پژوهش شمرد و در جمع‌بندی این مفاهیم دوگانه نوشت، منظور از روش، غالباً سیر تحول فکری است که تمام مکاتب روش‌شناسی غرب آن را از سر گذرانده‌اند. بینش نشانگر وجود رابطهٔ میان روش و جهان‌بینی پژوهشگران است. به همین سبب به تعداد دانشمندان و محققان بینش خواهیم داشت. در علوم تجربی معمولاً بینش واحدی وجود دارد و در علوم اجتماعی بینش‌های متفاوت، اما برای حل مشکل بینش‌های متفاوت از دو اصطلاح استفاده می‌شود: نخست، مکتب که به یک بینش خاص، معتبر و جافتاده اطلاق می‌شود و از پشتیبانی هواداران آن مکتب برخوردار است و طی چند نسل ادامه می‌یابد؛ دوم، «تحقیق از طریق» است که منظور از آن استفاده از یک یا چند عامل بینش به‌ویژه عامل مفهوم‌سازی در پژوهش‌ها است؛ بنابراین، مؤلفه‌های بینش با اجزا و مراحل روش به یکدیگر وابسته‌اند و از محیط، فرهنگ و آن نوع جهان‌بینی که دانشمند در آن پرورش یافته و بالاخره

طرز تفکر حاکم جدا نیستند. بدین‌سان، علم، بینش، روش و نظریه نمی‌توانند بی‌طرف و بی‌غرض باشند (همان: ۱۲۸).

هرچند پس از انتشار این کتاب، دربارهٔ دوگانه «بینش و روش» کاوش نظری بیشتری صورت نگرفت؛ در انبوهی از مقاله‌های تاریخی به کار رفت. شاید یکی از نخستین گام‌ها در این مسیر مقاله «بینش و روش در تاریخ‌نگاری ابن‌طقطقی» (علیزاده بیرجندی، ۱۳۸۵) است. سه سال بعد، اسماعیل حسن‌زاده با نگارش مقاله «بینش و روش در تاریخ‌نگاری عتبی» در مجله *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری*، این دوگانه را رواج داد (حسن‌زاده، ۱۳۸۸). کار وی تا حد زیادی برای نویسندگان بعدی این مجله به‌مثابه یک الگو درآمد و در سطحی گسترده به کار رفت. مقاله‌هایی چون «بررسی تطبیقی رویکرد سیاسی مورخان در تاریخ‌نگاری محلی گیلان از قرن نهم تا یازدهم قمری با تکیه بر روش و بینش مورخان» (احمدی و حسن مصفا، ۱۳۸۹)؛ «بررسی روش و بینش تاریخی عباسقلی آقاباکیخانوف (با تکیه بر کتاب *گلستان ارم*)» (نائیبیان و جعفری، ۱۳۹۰)؛ «روش و بینش تاریخ‌نگاری اسکندریبگ منشی در *عالم‌آرای عباسی* با تکیه بر وقایع گیلان» (شورمیج، ۱۳۹۳)؛ «بینش و روش در تاریخ‌نگاری حافظ ابرو» (شرفی و حاج عینی، ۱۳۹۴)؛ «بینش و روش در تاریخ‌نگاری محمدکاظم مروی در *عالم‌آرای نادری*» (ناصری، سرفرازی و علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۶)؛ «بینش و روش در تاریخ‌نگاری سیفی هروی» (نصیری جوزقانی، ۱۳۹۷)؛ «درآمدی بر روش و بینش در تاریخی ابوعلی مسکویه در *تجارب‌الامم*» (محمدی و پریوش، ۱۳۹۷)؛ «بینش و روش در تاریخ‌نگاری حمزه اصفهانی در کتاب *سنی الملوک و الارض الانبیا*» (محمدی و اسمعیلی، ۱۳۹۷)؛ «روش و بینش در تاریخ‌نگاری کتاب *شوروی و جنبش جنگل گریگور یقیکیان*» (پناهی، ۱۳۹۸) ذیل این مفهوم دوگانه نوشته شدند. نویسندگان این مقاله‌ها بینش را با مؤلفه‌های چون بینش سلطنت‌گرایانه، بینش نخبه‌گرایانه، بینش انتقادی، بینش شریعت‌گرایانه، مشیت الهی، بینش قهرمان‌گرایانه، بینش معرفت‌شناسانه، بینش اجتماعی، بینش تاریخی، بینش ستایش‌گرایانه، رویکردهای سیاسی، اندیشهٔ سیاسی، مشروعیت‌بخشی به حکومت، دوری از بخل و تعصب، عدالت و عبرت‌آموزی، اندیشهٔ ایران‌شهری، اهمیت زمان در تاریخ‌نگاری، ذکر جزئیات رخدادها، بینش باستان‌گرایانه، محلی‌نگری در تاریخ‌نگاری (قوم‌شناسی، نسب‌شناسی)، تبیین و تحلیل تاریخی، بینش واقع‌گرایانه و استفاده از گزاره‌های شناختی، اثرگذاری بر مورخان پس از خود، سبک ادبیانه، اعتقادات و گرایش‌های فکری، هدف و فایدهٔ تاریخ و فلسفه و چستی تاریخ توضیح دادند. البته در این میان، بینش نخبه‌گرایانه، بینش شریعت‌گرایانه، مشیت و بینش سلطنت‌گرایانه به ترتیب بیشترین بسامد را داشته‌اند.

نویسندگان این مقاله‌ها «روش» را با مؤلفه‌های چون سبک نگارش، منابع مورخ، جرح و تعدیل روایت‌ها، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، پیوستگی و گسست متنی، بهره‌گیری از گزاره‌های دلالت‌گر و گزاره‌های ارجاعی، شکل و محتوای اثر، دقت در ثبت حوادث، بیان علی و واقع‌بینانه، توجه به زمان و مکان، وقایع‌نگاری، خبر و معیار سنجش آن، سرگذشت‌نامه نویسی، اخبار پُر اهمیت و بی‌اهمیت، روش‌شناسی، مقام سلطنت، پرهیز از مبالغه و تعصب، نگرش انتقادی و روش تحلیل توضیح دادند. البته در این میان، منبع‌شناسی، سبک نگارش و جرح و تعدیل روایت‌ها، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی روایت‌ها به ترتیب از بیشترین سامد برخوردار بوده‌اند.

ارزیابی انتقادی این آثار حقایق زیر را آشکار می‌کند: یکم، کاربران این مفاهیم، خوانشی یکسان و همساز از این مفاهیم، کارکردها و مضامین آن نداشته‌اند و غالباً به‌گونه‌ای متفاوت عمل کرده‌اند؛ دوم، برخی از این مفاهیم نسبت روشنی با اصطلاحات متعارف در فلسفه علم تاریخ ندارند، به‌عنوان نمونه می‌توان از «برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی روایت‌ها» یاد کرد که ظاهراً مراد از آن اصل‌گزینش است؛ سوم، این وضعیت هم موجب آشفتگی نظری و عملی است و هم موجب خلط مباحثی آشکار، چنان‌که بسیاری از این مقوله‌های «بینش» ذیل عنوان «روش» هم به کار رفته‌اند؛ چهارم، این امر حاصل نیندیشیدن در چیستی این مفاهیم و کاربردهای آن است که نشان می‌دهد باید برای برون‌رفت از آن چاره‌اندیشی کرد.

ب. دوگانه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری

دوگانه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری خوشبختانه از ادبیات مفهومی نیرومندی برخوردار است. نصرالله صالحی در تحقیق شایسته‌ای پیرامون تبار این مفاهیم می‌نویسد، اصطلاح تاریخ‌نگری در هیچ یک از فرهنگ‌های معتبر فارسی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و حتی در فرهنگ‌های تخصصی علوم انسانی مطلقاً وجود ندارد. حتی زرین‌کوب، واضع این مفهوم، هیچ‌جا تصریح نکرده که برابر کدام واژه لاتین است، اما هم او و هم مترجمان آثار هورکهایمر و هگل، آن را به معنای فلسفه تاریخ به کار برده‌اند (صالحی، ۱۳۷۹: ۱۵).

زرین‌کوب می‌نویسد، «تاریخ‌نگری» همان شناخت معنا و هدف در گذشته و آینده است. از نگاه ادیان الهی معنا و هدف تاریخ روشن است. مورخان و فیلسوفان بزرگ هم در این باره اندیشیده‌اند. در عصر جدید معنا و هدف تاریخ در پیوند با پیشرفت و ترقی انسان دریافت شده است. چنان‌که ولتر تاریخ را سیر حرکت انسان از ظلمت خرافات و اوهام به روشنایی روزافزون خرد، معنا کرد (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۲۰۲-۱۹۸). زرین‌کوب در آثار بعدی‌اش این

مفهوم را بسط معنایی داد و نوشت: «به هر تقدیر آن چه ماورا تاریخ یا فلسفه تاریخ خوانده می‌شود و من دوست دارم عنوان محجوبانه‌تر و کم مدعایتر «تاریخ‌نگری» را در آن باره به کار برم، می‌خواهد از تاریخ که توالی رویدادهای جزئی است مقوله‌ای شامل و کلی استخراج نماید و تشتت و تفرقه‌ای را که در بعد طولی و عرضی برای این رویدادها اجتناب‌ناپذیر است به جمع و وحدت نهایی تبدیل نماید.» (زرین‌کوب، ۱۳۶۸: ۴۵)

اما همان گونه که صالحی به‌درستی گفته است زرین‌کوب و عنایت هیچ‌یک تصریح نکردند که فلسفه تاریخ ناظر به دو گونه مستقل معرفت یعنی فلسفه علم تاریخ و فلسفه نظری تاریخ است. این تفکیک در زبان پارسی را نخستین‌بار عبدالکریم سروش در سال ۱۳۵۷ به کار برد (صالحی، ۱۳۷۹: ۱۵).

در مجموع، دوگانه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری بحث‌ها و مناقشه‌های تأمل‌برانگیزی ایجاد کرده که نشانگر یک چرخش مفهومی در واکنش به دوگانه بینش و روش است؛ زیرا مفاهیم «بینش و روش» نه خاستگاه تاریخی روشنی داشتند و نه تاریخ‌نگاران آن را ابداع کرده بودند و نه تأملی جدی در معنا، محتوا و کارکرد آن‌ها صورت گرفته بود؛ در نتیجه، نمی‌توانستند پاسخ‌گوی نیازهای فزاینده ایرانیان در دانش تاریخ‌نگاری باشند؛ اما دوگانه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری هم تبار روشنی در سنت تاریخ‌نگارانه ایرانی داشت و هم از سوی مورخان معنا شد و هم از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بیشتری برخوردار بود.

سید کاظم روحانی به‌عنوان یکی از پیش‌گامان کاربرد این مفاهیم، مفهوم تاریخ‌نگاری را نگارش و تدوین تاریخ معنا کرد و تاریخ‌نگری را تفکر تاریخی. به باور او تاریخ‌نگری همان فلسفه نظری تاریخ است. یعنی بینش، جهت و تبیین جریان‌ات و وقایع تاریخی که معنایی جز حوالت و عنایت به تاریخ ندارد. او دو مقوله تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری را کاملاً مرتبط و هم‌بسته شمرد و تأکید کرد که نوشتن تاریخ بدون داشتن نگرش یا دید تاریخی (تاریخ‌نگری) ممکن نیست و آثار وقایع‌نویسانه‌ای که از تحلیل حوادث و نگاه به کلان به تاریخ هستی‌دوری جسته‌اند، اعتبار چندانی ندارند (روحانی، ۱۳۷۱: ۱۴۰).

علی محمد ولوی مؤسس مجله تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری مفهوم تاریخ‌نگری را بیشتر ناظر بر نگرش‌ها، رویکردها، مبانی و زمینه‌هایی دانست که مباحث نظری و روشی و بنیادهای فکری و ذهنی مورخ در آن شکل می‌گیرد و شامل جهان‌بینی، هستی‌شناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مورخ است که بر تاریخ‌نگاری تأثیر مستقیم می‌گذارند؛ بنابراین، در تاریخ‌نگری انتقال از فاعل شناسا (Subject) به مفعول شناسا (Object) است، در حالی که در تاریخ‌نگاری برعکس است، یعنی از مفعول شناسا به فاعل شناسا است.

اینکه طبری معتقد است تاریخ بستر اجرا و اعمال مشیت الهی است و با این ذهنیت به تاریخ‌نویسی توجه می‌کند، نشانگر تاریخ‌نگاری او است (ولوی، ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۵۹). ولوی تاریخ‌نگاری را معادل historical perspective یا معادل attitude history یا approach to history و آن را اعم از فلسفه تاریخ یا تاریخی‌گری شمرد.

پس از آن، حسین مفتخری جدی‌ترین سخنان را درباره مفهوم تاریخ‌نگاری ایراد کرد. او همچون روحانی و ولوی کوشید با بسط معنای این مفهوم، حوزه عمل آن را از قلمرو فلسفه نظری تاریخ به قلمرو فلسفه علم تاریخ بگستراند و کارکردهای فراوانی برای آن قائل شود. او تاریخ‌نگاری را در مفهوم دقیق بخشی از تاریخ‌نگاری دانست که با آن نسبت عموم و خصوص مطلق دارد (مفتخری، ۱۳۹۳: ۲۶).

حسن حضرتی معتقد است در نقد درونی متن‌های تاریخی قصد اصلی شناسایی ابعاد و زوایای پنهان در متن است که در لایه‌های زیرین نوشتار نهفته است. «این همان تاریخ‌نگاری مورخ است که گفته می‌شود هیچ تاریخ‌نگاری در گزارش تاریخ فاقد آن و هیچ گزارش تاریخی خالی از آن نیست. به عبارت دیگر هر اثر تاریخی حتی اگر به ظاهر یک اثر توصیفی صرف هم باشد، اندیشه مورخ را هم در درون خود نهفته دارد.» به اعتقاد او تاریخ‌نگاری مورخان همواره از یک نظم گفتمانی پیروی می‌کند. «بر این اساس تاریخ‌نگاری آنان دارای رویکردی کلان به تاریخ و رویدادهای تاریخی است. شاید مورخ هیچ‌گاه این رویکرد کلان را به زبان نیاورد، اما کشف و فهم آن برای درک عمیق از تاریخ‌نگاری مورخ، ضروری است.» (حضرتی، ۱۳۸۸: ۹-۵)

بعدها ترکمنی آذر، آثار مستقلی ذیل مفاهیم تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، نوشت. او ابتدا به دسته‌بندی رهیافت‌های گوناگون درباره مفهوم تاریخ‌نگاری روی آورد (ترکمنی آذر، ۱۳۹۵: ح) و در پژوهش خود ذیل عنوان تاریخ‌نگاری، ضمن صورت‌بندی معرفت در ایران دوره اسلامی، از دانش‌های گوناگون مورخان، مشیت الهی و حدود اراده و اختیار انسان در تاریخ، ویژگی‌های نظام سلطنت و تأثیر آن در دیدگاه مورخان، اندیشه شاه آرمانی، عدالت، پیوستگی دین و دنیا، نظریه اجتماعی و بازتاب آن در متن‌های تاریخی، سخن گفت و تأکید کرد پژوهش در حوزه تاریخ‌نگاری نوعی تاریخ فرهنگی است که با هدف بازیافت معرفت تاریخی مورخان ایرانی صورت می‌گیرد (همان: ۱۱۹). بدین‌سان، ایشان به جای بسط قلمرو معنایی و کارکردهایی مفهومی «تاریخ‌نگاری» در عمل آن را به حوزه فلسفه نظری محدود کرد و به آشفتگی تازه‌ای دامن زد؛ زیرا تاریخ‌نگاری بنیان نظری و مبنای معرفتی تاریخ‌نگاری و هدایتگر آن است که ذهنیت و نگرش مورخ را می‌سازد؛ بنابراین، هر اثری در ذیل تاریخ‌نگاری مورخان

نوشته شود همان تاریخ‌نگاری است. شاید بتوان تاریخ‌نگری یک مورخ را به‌عنوان مبنای اندیشگی وی نوشت، اما هرگز نمی‌توان تاریخ‌نگاری یک مورخ را بدون تاریخ‌نگاری‌اش نگاشت.

ابوالفضل رضوی مفهوم «تاریخ‌نگری» را معادل هیستوریسیسم^۱ و هم‌معنای مفاهیمی چون تاریخ‌گرایی، تاریخ‌گرایی، مکتب اصالت تاریخ یا تاریخ‌باوری دانسته است و مدعی است میان آن‌ها با «تاریخ‌مندی»^۲ و «تاریخیت»^۳ فرق وجود دارد. به باور او تاریخ‌نگری از جمله مفاهیم پرکاربردی است که استفاده از آن محدود به مورخان نبوده و اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی بر حسب مضمون و نیاز از آن بهره برده‌اند (رضوی، ۱۳۹۴: ۲۶). هرچند ممکن است رگه‌هایی از تاریخیت و تاریخ‌گرایی یا تاریخ‌مندی در مفهوم تاریخ‌نگری نهفته باشد، بی‌گمان یکی انگاشتن آن‌ها خطایی بزرگ است. خوشبختانه رضوی هنگام ورودش به قلمرو تاریخی، اشتباه خود را تصحیح می‌کند و می‌نویسد، در حیطه دانش تاریخ، ماهیتاً تاریخ‌نگری در جوف مفهوم تاریخ‌نگاری نهفته است (همان: ۲۹-۲۸).

تاکنون مقاله‌های فراوانی ذیل دوگانه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری نگارش یافته‌اند: در این مقاله‌ها از جمله در مقاله «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری عمادالدین کاتب اصفهانی» (حسن‌زاده، ۱۳۸۶)، «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری عبدی‌بیک شیرازی در تکمله الاخبار» (فیضی‌سخا، ۱۳۹۳)، «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری خاندان منجم یزدی» (فیاض انوش و دیگران، ۱۳۹۳)، «تاریخ‌نگری و منابع تاریخ‌نگاری مسعودی (۳۴۶-۲۸۰ق) در کتاب التنبیه و الاشراف» (مجربی و دیگران، ۱۳۹۷)، «اروپا و جنگ‌های صلیبی در تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری متشو پاریس: یک تاریخ عمومی اروپایی با گذار به تاریخ‌نگاری جهانی» (بحرانی‌پور، ۱۳۹۷)، «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری ابوعلی مسکویه» (شیرین‌زبان آذر، ۱۳۹۷)، «تاریخ‌نگری اسماعیلیان؛ مؤلفه‌های فلسفه نظری تاریخ» (بابایی سیاب و دیگران، ۱۳۹۸)، ذیل مفهوم تاریخ‌نگری بر مضامینی چون معرفت دینی، مشیت الهی، اراده و اختیار انسان در تاریخ، بینش نخبه‌گرایانه، بینش شریعت‌مدارانه، بینش انتقادی مورخ، تاریخ‌نگاری مکانیکی و ارگانیکی، موعودگرایی، تأویل‌گرایی، اندیشه‌های ایرانشهری، مشروعیت، ترسیم تاریخ خطی، منبع‌شناسی، ارتباط تاریخ و جغرافیا، جهان‌شناسی، جهان‌بینی، پیوستگی تاریخ و فراتاریخ، سیر دوری-خطی تاریخ، معرفت تاریخی و فلسفه نظری تاریخ، شیوه تاریخ‌نویسی سخن گفته‌اند.

-
1. Historicism
 2. Historicity
 3. Historicity

پ. دوگانه‌های تلفیقی

منظور از دوگانه‌های تلفیقی کاربرد هم‌زمان تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری در کنار بینش و روش است. این دسته از پژوهشگران گویی کاربرد جداگانه این مفاهیم را در انتقال معناهاى مدنظر خود ناکافی دانسته و کوشیده‌اند با ترکیب آن‌ها این نقیصه را جبران کنند. به‌عنوان نمونه می‌توان از مقاله‌های «بینش و روش در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری ابوالحسن غفاری کاشانی» (زندیه و الباسی، ۱۳۹۳) و «بینش و روش در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری حمدالله مستوفی قزوینی» (محمدی و آدینه‌وند، ۱۳۹۳) یاد کرد.

ارزیابی تحلیلی مؤلفه‌های دوگانه‌های ترکیبی نیز نشانگر استمرار همان بحث‌هایی است که پیش‌تر ذیل عنوان بینش و روش یا تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری در گرفته و پژوهشگران پیشین آن را به کار برده‌اند؛ به‌ویژه اینکه در دوگانه‌های تلفیقی با وجود ذکر مفهوم «تاریخ‌نگاری» محتوای مقاله‌ها عمدتاً بر بنیاد همان دوگانه بینش و روش نگارش یافته‌اند. شاید یکی از علت‌های این امر دشواری و نیز ابهام در یافتن مصداق‌های این مفهوم باشد. ارزیابی محتوایی دوگانه‌های تلفیقی نمایانگر نفوذ معنوی و کاریست همان مقوله‌ها و مفاهیمی است که کم‌وبیش حسن‌زاده وضع کرده است که به‌گونه‌ای در آثار پس از وی بازتاب یافته‌اند. نکته شگفت‌انگیز این است که با وجود مفهوم‌سازی‌های ارزشمند درباره مفهوم تاریخ‌نگاری این امر در این آثار بازتاب چندانی ندارد و همچنان از چیرگی دوگانه بینش و روش حکایت می‌کند که خود نشانگر وجود ابهام‌ها، کاستی‌ها و نارسایی‌های آشکار در متن این مفاهیم و کارکردهای آن است و گویی هنوز ابعاد و قلمروشان چندان روشن نیست.

نگاه انتقادی به این نوشتگان و نیز مفهوم‌پردازی‌های آن‌ها نشانگر این حقیقت است که: یکم، درک ناهمسانی از این مفاهیم و معناها و کارکردهای آن وجود دارد؛ دوم، همسانی‌های فراوان بین مؤلفه‌ها و کارکردهای این مفاهیم و دوگانه «بینش و روش» به چشم می‌خورد، چنان‌که تقریباً آن‌ها را به یک معنا به کار برده‌اند و نشان می‌دهد هنوز وفاق نسبی درباره آن‌ها شکل نگرفته است؛ سوم، به‌رغم بحث‌های مفهومی مهمی که تاکنون درباره «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری» طرح شده است، همچنان شاهد سیطره مفاهیم دوگانه «بینش و روش» بر این پژوهش‌ها هستیم.

به باور نگارنده تاریخ‌نگاری بنیان نظری - مفهومی و دستگاه معرفتی - روشی مورخان در نگارش تاریخ شمرده می‌شود که جنبه عقلی، ذهنی و اندیشگی دارد و از جنس باور و نگرش است و بدون آن تاریخ‌نگاری اساساً ناممکن است. طبعاً آنچه در قالب متن تاریخی درمی‌آید حاصل دیالکتیک ذهن (تاریخ‌نگاری و معرفت‌شناسی تاریخی) و عین (رخدادهای تاریخی) و

نیز داده‌ها و منابع تاریخی است. بدین‌سان، منظور از تاریخ‌نگری آن بینش، تفکر، رهیافت، باور و نگاهی است که تاریخ‌نگار در پدیدآوردن متن تاریخ‌نگارانه به آن پایبند است و از همان دریچه به تاریخ چه در مفهوم هستی‌شناسانه (فلسفه نظری تاریخ) و چه در مفهوم علم (فلسفه علم تاریخ) می‌نگرد. در خلاصه‌ترین بیان، تاریخ‌نگری همان نظام معرفتی و معنایی در تاریخ است که ایدئولوژی، بینش، تفکر و گفتمان مورخ را شکل می‌دهد.

۳. به‌سوی یک چارچوب روش‌شناختی

برای جلوگیری از آشفتگی‌های نظری و مفهومی و نیز ساماندهی بهتر پژوهش‌ها در قلمرو دانش تاریخ‌نگاری پیشنهاد می‌شود: نخست، نوع پژوهش و رهیافت آن و سپس چارچوب تحلیلی و دستگاه نظری و مفهومی مناسبی برای آن مشخص شود.

منظور از رهیافت تعیین نوع پژوهش بر مبنای شاخه‌های اصلی «دانش تاریخ‌نگاری» یعنی متن‌شناسی تاریخی یا مورخ‌شناسی است. پژوهش‌های این حوزه به‌طور کلی سه‌گونه است و سه رهیافت متفاوت خواهند داشت: نخست، پژوهش متن‌محور (متن‌شناسی تاریخی) و دوم، پژوهش مورخ‌محور (مورخ‌شناسی) و سوم، ترکیبی از متن‌شناسی تاریخی و مورخ‌شناسی.

منظور از چارچوب تحلیلی این است که هر یک از این رهیافت‌ها به ابزارهای نظری و مفهومی از یک‌سو و نظام روش‌شناسانه و معرفت‌شناسانه خاص خود نیاز دارند که پژوهشگر باید متناسب با آن از آمادگی‌های لازم برخوردار شود. در ادامه این گفتار کوتاه به برخی از این جنبه‌ها اشاره می‌شود.

الف. پژوهش‌های مورخ‌محور (مورخ‌شناسی)

منظور از پژوهش‌های مورخ‌محور یا مورخ‌شناسی آن دسته از تحقیقات است که موضوع اصلی آن مورخ یا تاریخ‌نگار (اعم از تاریخ‌نویس و تاریخ‌پژوه) است. هرچند پژوهشگر به نحو گریزناپذیری به آثار مورخ توجه می‌کند، محور اصلی پژوهش زندگی، اندیشه‌ها و یافته‌های مورخ است. در این رهیافت می‌توان از موضوعاتی چون زندگی و زمانه مورخ و نقش آن در متن تاریخ‌نگارانه، (زیست‌نامه، محیط جغرافیایی و فرهنگی پرورش، پایگاه اجتماعی و سیاسی، ایدئولوژی و باورها، فهم‌ها، پیش‌فهم‌ها، رویکردها، دین، ملیت، گفتمان تاریخ‌نگارانه مورخ و...)، درجه استقلال فکر و عمل او، مشاغل اداری و دیوانی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی و پیوندش با دستگاه قدرت سیاسی، جامعه‌شناسی معرفت و تأثیر جایگاه اجتماعی و منزلت مورخ در جامعه، شبکه ارتباطی، آرمان یا انگیزه تاریخ‌نگاری، مقام مورخ در تاریخ‌نگاری

روزگار خود و مقایسه وی با مورخان هم‌عصر، نوآوری‌ها و ادعاهای مورخ، بینش مورخ، اندیشه سیاسی، تعریفش از تاریخ و نگاهش به هستی، سبک نگارش، روش‌های گردآوری داده‌ها، منابع مورخ، شیوه استناددادن، نحوه تحلیل رخدادها، اقتباس و سرقت ادبی، کنش گفتار مورخ، روان‌کاوی مورخ، شناخت مفروض‌ها یا انگاره‌های بنیادین تاریخ‌نگار، تاریخ‌نگاری (فلسفه نظری و فلسفه علم) مورخ، پایبندی‌اش به حقیقت، تخیل و تعقل تاریخی مورخ، عینیت یا بی‌طرفی مورخ، گفتمان مورخ، نحوه، کیفیت و اعتبار روایت‌پردازی‌های مورخ و... سخن گفت.

بی‌گمان، هر پژوهش تاریخی از زیست‌جهان مورخ و دنیای او جدا نیست. مورخ نمی‌تواند از فضای زمانه و رهیافت‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی روزگار خود یا مکتبی که به آن تعلق دارد، برکنار باشد. متن تاریخ‌نگارانه ناگزیر در جهان مورخ فرومی‌رود و با او درمی‌آمیزد و پس از طی کنش‌های دیالکتیکی، از نو آفریده می‌شود؛ بنابراین، متن تاریخی مستقل از مورخ وجود پیدا نمی‌کند؛ زیرا تاریخ ساکت است و مورخ آن را به سخن درمی‌آورد و سوژه تاریخی را می‌آفریند (اکبری، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

در چند دهه اخیر به‌ویژه متأثر از اندیشه‌های پساساختارگرایی، زبان‌شناسی جدید و ایده‌های انتقادی پسامدرن، جایگاه مورخ در تاریخ‌نگاری اهمیت فراوانی یافته است. در گذشته تصور می‌شد که مورخ فقط شاهد یا ناظر یا روایتگری بی‌طرف است، اما از عصر روشنگری به این سو این تفکر به‌شدت زیر سؤال رفت؛ زیرا عقل انسان جایگاه برجسته‌تری یافت، چنان‌که بندتو کروچه و کالینگ‌وود معتقد بودند خودشان در علم تاریخ بیش از آنکه با رخدادهای تاریخی درگیر باشند با فکر مورخ و اندیشه او روبه‌رو بوده‌اند. بر این اساس آنان علم تاریخ را چیزی بیش از فکر مورخ نمی‌دانستند (حضرتی، ۱۳۸۳: ۱۴).

تاکنون در ایران چندین پژوهش درباره تاریخ‌نگاران و سبک و سنت تاریخ‌نگاری آن‌ها انجام شده است که هر یک از آن‌ها از روشی خاص پیروی کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه درباره عباس اقبال تاکنون آثار فراوانی نوشته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به آثار شاپور اعتماد، لیدا اندیشه و حسن شایگان و چندین پایان‌نامه دانشجویی اشاره کرد. آثاری چون *زندگی و اندیشه‌های تاریخ‌نگاران عبدالهادی حائری اثر حجت فلاح توتکار* و کتاب *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری ابن اثیر اثر علی سالاری شادی* از دیگر نمونه‌های پژوهش‌های مورخ‌محور به شمار می‌روند.

بنابراین، هنگامی که پژوهشگر از منظر مورخ‌محور به موضوع می‌نگرد باید بکوشد به بخشی از پرسش‌های زیر پاسخ دهد: این مورخ کیست و در چه محیطی پرورش یافته است؟

از چه دانش‌هایی برخوردار است؟ مذهب و ایدئولوژی او چیست؟ چگونه و با چه انگیزه‌هایی به نگارش تاریخ پرداخته است؟ در نگارش متن از چه پشتیبانی‌های سیاسی، فکری و ستادی برخوردار بوده است؟ نسبتش با قدرت سیاسی چیست؟ پایگاه و موقعیت اجتماعی‌اش چگونه بوده است؟ مورخ در چه بافت و زمینه‌ای به نگارش تاریخ پرداخته است و زمینه‌های اجتماعی - سیاسی چه تأثیری بر معرفت تاریخی او نهاده‌اند؟ نگاه او به دانش تاریخ و قلمروهای آن چیست؟ به تاریخ در مفهوم فلسفی، عوامل حرکت و نیز آغاز و انجام آن چگونه نگریسته است؟ چگونه واقعیت‌های تاریخی را گزینش و روایت کرده است؟ چگونه درباره شخصیت‌های تاریخی و رخداد‌های مورد مطالعه‌اش قضاوت کرده است؟ شبکه ارتباطی او چه بوده است؟ رابطه علت- معلولی میان پدیده‌های تاریخی را چگونه برقرار کرده است؟ مخاطبان او چه کسانی هستند؟ کنش گفتار مورخ چگونه در متن بازتاب یافته است؟ گفتمان تاریخ‌نگاری مورخ چیست؟

ب. متن محور (متن‌شناسی تاریخی)

مبنای پژوهش در شاخه «متن‌شناسی تاریخی» ارزیابی انتقادی متن و نیز تفسیر و تحلیل داده‌های متن است و بی‌شک کار پژوهشگر از سنخ نقد و سنجش علمی است. نقد به معنای سنجش دقیق نوع شناخت و ارزیابی آگاهی علمی موجود است که بر اساس معیارهای تعمیم‌یافته منطقی صورت می‌گیرد. نقد تلاشی است که انسان شناسنده (سوژه) بر اساس آزادی و تعهدی که دارد، گفتار علمی را به گونه‌ای که بر او عرضه شده یا به گونه‌ای که آن را فهم می‌کند، به پرسش می‌گیرد تا در جهت اعتلای آگاهی و شناخت فردی و جمعی و حقیقی‌تر کردن آن گام بردارد. نقد عالمانه، کار انسان اندیشه‌ورز و پرسشگر است که از وضع موجود دانش ناراضی است و می‌کوشد افق‌های تازه بگشاید و موجبات شکوفایی علم و جامعه را فراهم کند؛ بنابراین نقد یکسره قضاوت منفی نیست، بلکه واریسی و کاوش در ماهیت و یافته‌های اثری است که هم سویه‌های مثبت و هم منفی دارد. نقد کوشیدن برای درک جایگاه و شأن چیزها و قراردادن آن‌ها در جای حقیقی خود است. در این معنا نقد و نقادی با فهم و درک و عدل‌پيوندی نزدیک دارد (داوری، ۱۳۹۱: ۳۹۹). بدین‌سان، نقاد باید فقط وارد عرصه‌ای شود که در آن دانش، تخصص و آگاهی دارد و از مبانی و مقدمات آن برخوردار است.

بدین‌سان، اگر پژوهشگر با رهیافت متن‌محور پژوهش خود را آغاز کند با مسائلی چون زبان، سبک، روایت، پی‌رنگ، وجه ادبی متن، گفتمان، بافت و زمینه اجتماعی - سیاسی تولید

متن، بافت اجتماعی جهان متن و جهان واقعی، کنش گفتار متن، داوری در متن و... مواجهه است که هر یک از آن‌ها نیازمند دانش‌های زمینه‌ای و دستگاه مفهومی - نظری خاص خود است. در چنین وضعیتی پژوهشگر باید به پرسش‌هایی از این نوع پاسخ دهد که: سبک و زبان اثر چیست؟ این متن حاوی چه نوع مباحث و محتوایی است؟ روش به کار رفته در متن چیست؟ رویکرد آن به تاریخ و واقعیت تاریخی چیست؟ حقیقت تاریخی را چگونه ارزیابی کرده است تا چه حد به معیارها و اصول متعارف دانش در زمانه خود پایبند است؟ چگونه و با چه اصولی روایتگری کرده است؟ این متن در چه فضای سیاسی - اجتماعی و در پاسخ به چه نیازی نوشته شده است؟ گفتمان اثر چیست؟ این متن در قیاس با متن‌های روزگار خود از چه امتیازها و ویژگی‌هایی برخوردار است؟ مطالب، محتویات و یافته‌ها و مدعیات این متن تا چه حد با هم سازگاری دارند و وجوه متعارض و ناهم‌ساز آن چیست؟ متن از چه منابعی بهره برده و اعتبار منابع اثر را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ در این متن، چگونه میان پدیده‌ها و کنشگران تاریخی روابط علت - معلولی برقرار شده است؟

پ. رهیافت ترکیبی

در روش ترکیبی، پژوهشگر می‌کوشد به اقتضای پژوهش و بنابر ذوق، توانایی، علاقه و سلیقه خود برخی از فرازهای رهیافت متن‌محور و مورخ‌محور را ترکیب کند و از آمیختن آن‌ها به دستاوردهای معتبرتری دست یابد.

۴. چارچوب تحلیل؛ دستگاه نظری و مفهومی تحقیق

با توجه به نارسایی مفاهیم جاری پیشنهاد نگارنده دفاع از دوگانه فلسفه علم تاریخ و فلسفه نظری تاریخ به جای دوگانه‌های پیشین به عنوان چارچوب تحلیل است. از آنجا که دانش تاریخ‌نگاری در قلمرو فلسفه علم تاریخ قرار می‌گیرد، به‌طور طبیعی از دو شاخه اصلی این دانش یعنی روش‌شناسی و معرفت‌شناسی و نیز رهیافت‌های فلسفه نظری تاریخ شکل گرفته است. افزون بر این، این دوگانه از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های به مراتب بالاتری برخوردار است و تا حد زیادی دغدغه‌های پژوهشگران دانش تاریخ‌نگاری را پوشش می‌دهد. در اینجا توجه به دو نکته ضرورت دارد: یکم، مورخ در نوشتن تاریخ هیچ‌گیزی و گزیری از روش‌شناسی و معرفت‌شناسی تاریخی ندارد و او چه با این دوگانه آشنا باشد و چه نباشد برآیند آن‌ها در کار او بازتاب می‌یابد؛ دوم، این دوگانه چنان به هم آمیخته‌اند که نمی‌توان مرز دقیقی بین آن‌ها ترسیم کرد. تاریخ‌نگاری ترکیبی از روش و معرفت است که با مسائلی چون تفکر، گفتمان،

واقعیت، حقیقت، عینیت، روایت و ایدئولوژی گره خورده است؛ بنابراین، در «دانش تاریخ‌نگاری» می‌توان دوگانه فلسفه علم تاریخ و فلسفه نظری را در هر یک از رهیافت‌های متن‌محور (متن‌شناسی تاریخی) و مورخ‌محور (مورخ‌شناسی) به کار برد که در ادامه به محورهای اصلی آن اشاره می‌شود:

الف. فلسفه علم تاریخ

فلسفه علم تاریخ (فلسفه تحلیلی/ انتقادی تاریخ) به‌عنوان یک معرفت‌نوع دوم، ناظر بر علم تاریخ است و موضوع آن علم تاریخ و تحلیل تاریخ‌نگاری است. در واقع، فلسفه علم تاریخ، دستاوردهای علمی تاریخ یا همان آثار و تحقیقات تاریخی را از نظر مبانی، قواعد، روش‌ها، معیارها و ابزارهای تولید علم ارزیابی می‌کند. مهم‌ترین مسائل و موضوعات فلسفه علم تاریخ که در دانش تاریخ‌نگاری استفاده می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. موضوع علم تاریخ، ۲. تعریف علم تاریخ، ۳. مرزها و قلمرو علم تاریخ، ۴. تقسیمات علم تاریخ، ۵. روش‌شناسی تاریخی و روش‌های تحقیق در تاریخ، ۶. قانون و نظریه در تاریخ، ۷. تاریخ و رابطه آن با علوم دیگر، ۸. تفاوت‌ها و تمایزات علم تاریخ با علوم دیگر، ۹. تاریخ‌نگاری، ۱۰. عینیت یا بی‌طرفی در تاریخ، ۱۱. گزینش در تاریخ، ۱۲. ارزش‌داوری و پیش‌داوری در تاریخ، ۱۳. قضاوت در تاریخ، ۱۴. تبیین و انواع آن در تاریخ، ۱۵. علیت در تاریخ، ۱۶. تصادف در تاریخ، ۱۷. تحلیل فردگرایانه یا جمع‌گرایانه تاریخ ۱۸. فکت‌ها، داده‌ها و شواهد تاریخی، ۱۹. اسناد، مدارک و گواهی گواهان در تاریخ، ۲۱. کیفیت و اعتبار منابع تاریخی، ۲۲. جایگاه متن یا منبع در علم تاریخ، ۲۳. تجربه و تکرار در تاریخ، ۲۴. تفسیر تاریخی، ۲۵. احتمالات در تاریخ، ۲۶. تحول‌پذیری در یافته‌ها و داده‌های علم تاریخ، ۲۷. مکاتب تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری، ۲۸. نقش و جایگاه مورخ در علم تاریخ، ۲۹. نقد تاریخی (ملایی توانی، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۴۹).

به‌طور کلی فلسفه علم تاریخ از دو شاخه اصلی یعنی روش‌شناسی و معرفت‌شناسی تاریخی شکل یافته است و پژوهشگر دانش تاریخ‌نگری باید در مورخ‌شناسی یا متن‌شناسی تاریخی به محورها و موضوعات آن توجه کند:

یکم، روش‌شناسی تاریخی

منظور از روش‌شناسی همان راهی است که در مسیر دانش تاریخ می‌پوییم و چشم‌اندازی است که به‌سوی واقعیت‌های تاریخی می‌گشاییم؛ لذا در بطن روش تاریخی همچون همه روش‌های علمی دیگر، نوعی نظم، تفکر، انسجام درونی، برنامه، هدف و مقصد نهفته است که در پرتو آن

امکان تجزیه و تحلیل، درک و توجیه واقعیت نمونه پژوهشی فراهم می‌آید. روش‌شناسی تاریخی مستلزم آشنایی با مجموعه‌ای از قواعد و روش‌هاست که پژوهش‌های تاریخی بر بنیاد آن‌ها استوار است و با استفاده از آن‌ها ادعاهای معرفت تاریخی و نیز اصالت یافته‌های تاریخی ارزیابی و احراز می‌شوند.

بدین‌سان، پژوهشگر از منظر روش‌شناسی باید بکوشد به پرسش‌هایی از این دست پاسخ دهد که: تفکر روش‌شناسانه تاریخ‌نگار چیست و بنیان نظری شناخت تاریخی او کدام است؟ اصول، ابزارها و قواعد دستیابی به واقعیت از نگاه او چیست و در این متن چگونه از این ابزارها استفاده کرده است؟ روشی که تاریخ‌نگار در نگارش متن تاریخ‌نگارانه در پیش گرفته است چیست؟ تاریخ‌نگار چگونه کوشیده است داده‌های موجود در منابع را به واقعیت (فکت‌ها) تبدیل کند و از مرحله گزارش به مرحله دانش گذر کند؟ آیا اساساً این روش پاسخ‌گوی این نوع پژوهش هست یا نه؟ روش پردازش و تحلیل داده‌ها در این متن تاریخی چیست؟ تاریخ‌نگار چگونه استنباط و نتیجه‌گیری کرده و بین اجزای مختلف پدیده‌های تاریخی روابط علی برقرار کرده است؟ روش روایت‌پردازی تاریخ‌نگار چیست و چگونه در متن تاریخ‌نگارانه بازتاب یافته است؟ آیا به قواعد، اصول و الزامات روش‌شناسی خود وفادار مانده است؟

این پرسش‌های روش‌شناسانه را می‌توان به تناسب و اقتضای موضوع، در هر یک از رهیافت‌های متن‌محور (متن‌شناسی تاریخی)، مورخ‌محور (مورخ‌شناسی) یا رهیافت ترکیبی طرح کرد.

دوم، معرفت‌شناسی تاریخی

معرفت‌شناسی تاریخی مهم‌ترین بخش فلسفه علم تاریخ است و هدفش تأمل در علم تاریخ به‌مثابه یک علم مستقل است. در معرفت‌شناسی تاریخی درباره مبانی، قواعد، اصول و روش‌های معرفت در این علم و کیفیت معرفت و راه‌های دستیابی به آن بحث می‌شود و درباره ماهیت علم تاریخ هم چون و چرا می‌شود تا چگونگی، کیفیت، اعتبار و اصالت معرفت تاریخی مورخان و دستاوردهای آنان را در قالب متن‌های تاریخ‌نگارانه ارزیابی و از این رهگذر دستاوردهای دانش تاریخ را نقد کند. با توجه به آنچه گفته شد، در ارزیابی معرفت‌شناسانه متن‌های تاریخ‌نگارانه با رهیافت متن‌محور (متن‌شناسی تاریخی) پیرامون مسائل و محورهایی چون عینیت یا بی‌طرفی، ارزش‌داوری و پیش‌داوری، قضاوت و داوری مورخانه، ارزش‌های اخلاقی و وابستگی‌های دینی مورخ؛ نوع و کیفیت روایت تاریخ، انسجام و هماهنگی در متن

روایت، بیان ویژگی‌های زبانی اثر، پی‌رنگ و اجزای آن، مقایسه روایت تاریخی با متن‌های رقیب و موازی و هم‌عصر، تناقض‌های موجود در روایت‌ها، بیان کذب یا نارسایی‌های روایت‌ها، نحوه گزینش رخداد‌های تاریخی و نیز مبنا و روش آن؛ تخیل و تعقل تاریخی؛ نسبت تاریخ با دانش‌های دیگر؛ مسئله علیت و روابط علت معلولی میان پدیده‌های تاریخی؛ گونه‌شناسی نوع تاریخ‌نویسی (سلسله‌ای، عمومی، خاندانی، شخصیت‌محور، رخدادمحور و...); پایبندی به حقیقت یا بازگونه‌نمایی واقعیت تاریخی؛ تولید دانش و آگاهی‌های اصیل تاریخی و نوآوری‌ها؛ منبع‌شناسی؛ گفتمان مورخ، پاسخ به پرسش‌ها، چالش‌ها و مسئله‌های عصر و... بحث می‌شود.

ب. فلسفه نظری تاریخ

فلسفه نظری تاریخ در اساس کوششی برای کشف معنا، هدف، مسیر، و روندهای کلی تاریخ بشر است؛ لذا در سطحی فراتر و به عقلانیتی متمایز از پژوهش‌های متداول تاریخی نیاز دارد و آن عبارت است از اندیشیدن درباره ماهیت، مبدأ، مسیر و مقصد و عوامل حرکت تاریخ. بنیاد فلسفه نظری تاریخ بر این باور مبتنی است که تاریخ (فرایند بودن و شدن آدمی) یک رشته تحولات بی‌قاعده و بی‌هدف و ساخته انسان‌ها نیست، بلکه تاریخ موجودی زنده، پویا و با هویتی مشخص است که به صورتی قانونمند و با سازوکارهای خاصی در حال حرکت است، لذا با مفاهیمی چون تحول، تطور، پیشرفت، حرکت، صیوررت و تحرک پیوند دارد. انسان‌ها، جامعه‌ها، تمدن‌ها، کشورها و دگرگونی‌های بزرگ پیکره این موجود زنده را شکل می‌دهند. این موجود روحی بزرگ و پویا دارد که در تمام اندام‌های این پیکره جاری است. پذیرش چنین موجودی، مستلزم اندیشه‌ورزی درباره چهار دسته پرسش زیر است: الف. تاریخ چگونه موجودی است و از چه هویتی برخوردار است؟ ب. محرک تاریخ چیست؟ آیا حرکت تاریخ منشأ درونی (ذاتی) دارد یا بیرونی؟ موتور یا عوامل حرکت بخش تاریخ کدام‌اند و چه انگیزه‌هایی آن را به تحرک وامی‌دارند؟ ج. مقصد و هدف نهایی تاریخ کجاست؟ غایت تاریخ چیست و می‌خواهد به کدام سرمنزل برسد؟ د. مسیر حرکت تاریخ کجاست؟ تاریخ از چه راه‌ها و منازل عبور می‌کند و چگونه ره می‌پوید؟ (سروش، ۱۳۵۷: ۱۱-۵).

بدیهی است، این پرسش‌ها خود زاینده پرسش‌های بی‌شمار است که پژوهشگر دانش تاریخ‌نگاری ضمن پاسخ به آن‌ها باید به مسائل منتج از آن‌ها یعنی پیش‌بینی در تاریخ؛ جبر در تاریخ؛ تعمیم و استنباط کلی در تاریخ نقش قهرمانان و مردان بزرگ در تاریخ؛ نقش دین، نژاد و جغرافیا در تحولات تاریخ؛ پیشرفت، تحول، تکامل و تطور در تاریخ؛ منازعه حق و باطل و

خیر و شر در تاریخ؛ سرنوشت و تقدیر؛ سنت و قانون در تاریخ؛ غایت‌مندی؛ آغاز و انجام تاریخ؛ خدا و مشیت الهی در تاریخ و... بیندیشد.

نتیجه‌گیری

این نوشتار با نگاهی نقادانه به برخی از سنت‌ها و روش‌های جاری تولید دانش در قلمرو تاریخ‌نگاری کوشید این مناقشه را طرح کند که هنوز ماهیت، مبانی، موضوعات و روش‌های پژوهش در دانش تاریخ‌نگاری چندان روشن نیست و وفاق علمی و اتحاد معرفت‌شناختی درباره مسائل اصلی این دانش شکل نگرفته است. در نتیجه، وضعیتی آشفته و نگران‌کننده پدید آمده است که پویندگان این مسیر را سخت آزار می‌دهد.

نگارنده با بیان برخی از کاستی‌های دوگانه‌های «بینش و روش» و نیز «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری» تلاش کرد تا تاریخ‌نگاری را به مثابه یک «دانش» و یک «تخصص» در کنار تخصص‌های رشته تاریخ معرفی کند. در این راستا ابتدا از ویژگی‌های «دانش تاریخ‌نگاری» و شاخه‌های اصلی آن «مورخ‌شناسی» و «متن‌شناسی تاریخی» سخن رفت و نگارنده از سه قالب پژوهشی «مورخ‌محور»، «متن‌محور» و رهیافت «ترکیبی» برای فعالیت علمی در این شاخه‌ها دفاع کرد. در پایان از رویکردهای مفهومی - نظری فلسفه علم تاریخ و فلسفه نظری تاریخ به‌عنوان چارچوب تحقیق سخن گفت که به‌زعم او از توان و ظرفیت بیشتری برای تحمل بار سنگین «دانش تاریخ‌نگاری» برخوردار هستند و می‌توانند «راه تازه‌ای» فراروی پویندگان این دانش بگشایند.

بی‌گمان آنچه را که مورخان به‌عنوان دستاورد فکری و پژوهشی خود در قالب متن تاریخی درمی‌آورند ریشه در آگاهی تاریخی‌شان دارد و حاصل دیالکتیک ذهن (تاریخ‌نگاری و معرفت‌شناسی تاریخی) و عین (رخدادهای تاریخی و نیز داده‌ها و منابع تاریخی) است؛ بنابراین، پژوهشگر «دانش تاریخ‌نگاری» باید این رابطه‌ها را دریابد و بداند که بدون درک رهیافت‌های تاریخ‌نگاری مورخ نمی‌توان از تاریخ‌نگاری او سخن گفت؛ زیرا تاریخ‌نگاری آن بینش، تفکر، رهیافت، باور و نگاهی است که تاریخ‌نگار در پدیدآوردن متن تاریخ‌نگارانه به آن پایبند است و از همان دریچه به تاریخ چه در مفهوم هستی‌شناسانه (فلسفه نظری تاریخ) و چه در مفهوم علم (فلسفه علم تاریخ) می‌نگرد و بنیان نظری - مفهومی و دستگاه معرفتی - روشی مورخان را شکل می‌دهد و پژوهشگر دقیقاً با همین مبانی سروکار دارد. در خلاصه‌ترین بیان، پژوهشگر دانش تاریخ‌نگاری باید نظام معرفتی و معنایی مورخ در نگارش تاریخ را درک کند که در حقیقت، همان ایدئولوژی، بینش، تفکر و گفتمان مورخ است و این در قالب دوگانه:

یکم، فلسفه نظری تاریخ (کوشش برای کشف معنا، هدف، مسیر، و روندهای کلی تاریخ بشر) و دوم، فلسفه علم تاریخ (تأمل در مبانی، قواعد، اصول، روش‌های کسب معرفت، کیفیت معرفت، سنجش اعتبار و اصالت معرفت تاریخی مورخان و ارزیابی دستاوردهای آنان در قالب متن‌های تاریخ‌نگارانه) دست‌یافتنی‌تر است. نکته مهم و پایانی این است که نباید از کسانی که وارد قلمرو «دانش تاریخ‌نگاری» می‌شوند انتظار داشت به همه آنچه نگارنده در چارچوب دوگانه‌ها برشمرد و پرسش‌هایی که طرح کرد پاسخ دهد. بلکه مراد نویسنده این است که مورخ‌شناسان و متن‌پژوهان تاریخی در همین مسیر و در همین چارچوب‌ها بیندیشند و عمل کنند، اما اینکه تا کجا و تا چه میزان در راه گام بردارند یا کامیاب شوند به دانش، خلاقیت، قدرت تفکر آن‌ها بستگی دارد. به باور نگارنده فرانتس روزنتال، در کتاب *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام* (۱۳۶۶)، جولی اسکات میثمی در کتاب *تاریخ‌نگاری ایرانی* (۱۳۹۶)، مریلین والدمن در کتاب *زندگی، زمانه و کارنامه بیتهی* (۱۳۷۵)، کنراد هیرشلر در کتاب *تاریخ‌نگاری عربی در دوره میانه: مؤلف در مقام کنشگر* (۱۳۹۵) و انبوهی از پژوهشگران ایرانی که ذکر نام آن‌ها ممکن است موجب سوءتفاهم شود، در این مسیر گام برداشته‌اند.

منابع

- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره؛ فولادوند، حامد (زیرنظر) (۱۳۶۵) *بیش و روش در تاریخ‌نگاری معاصر*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- احمدی، زهت؛ حسن مصفا، زهرا (۱۳۸۹) «بررسی تطبیقی رویکرد سیاسی مورخان در تاریخ‌نگاری محلی گیلان از قرن نهم تا یازدهم قمری با تکیه بر روش و بیش مورخان»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهرا(س)، سال ۲۰، شماره ۵، ۲۰-۱.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۲) *تاریخ، مورخ و نظریه: طرح مقدماتی یک دیدگاه، مجموعه مقاله‌های دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، به کوشش حسن حضرتی، قم: بوستان کتاب.
- بابایی سیاب، علی؛ جان‌احمدی، فاطمه؛ آقاجری، هاشم (۱۳۹۸) «تاریخ‌نگری اسماعیلیان؛ مؤلفه‌های فلسفه نظری تاریخ»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهرا(س)، سال ۲۹، شماره ۲۳، ۷۵-۵۵.
- بحرانی‌پور، علی (۱۳۹۷) «اروپا و جنگ‌های صلیبی در تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری متنو پاریس: یک تاریخ عمومی اروپایی یا گذار به تاریخ‌نگاری جهانی»، *مطالعات تاریخ اسلام*، دوره ۱۰، شماره ۳۶، ۴۶-۱۱.
- پناهی، عباس (۱۳۹۸) «روش و بیش تاریخ‌نگاری کتاب شوروی و جنبش جنگل گریگور یقیکیان»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهرا(س)، سال ۳۰، شماره ۲۴، ۶۴-۴۳.
- ترکمنی آذر، پروین (۱۳۹۵) *درآمدی بر تاریخ‌نگری در ایران (از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول)*،

- تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسن‌زاده، اسماعیل (۱۳۸۶) «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری عمادالدین کاتب اصفهانی»، *علوم/انسانی*، دانشگاه الزهراء(س)، سال ۱۷، شماره ۶۵، ۵۵-۲۱.
- _____ (۱۳۸۸) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری عتبی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء(س)، سال ۱۹، شماره ۳، ۹۲-۵۹.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۳) *اسلام و ایران، بررسی تاریخی (مجموعه مقالات)*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- _____ (۱۳۸۸) «درآمدی بر نقد تاریخی»، *کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا*، شماره ۱۴۰، ۸۵.
- داوری، رضا (۱۳۹۱) *سیاست، تفکر، تاریخ*، تهران: سخن.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۴) *درآمدی بر تاریخ‌نگاری ایرانی-اسلامی با تأکید بر یعقوبی، مقدسی، گردیزی و ابن‌فندق*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- روحانی، کاظم (۱۳۷۱) «از تاریخ‌نگاری تا تاریخ‌نگری»، *کیهان اندیشه*، شماره ۴۲، ۱۰۰-۸۷.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۶) *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳) *تاریخ در ترازو*، تهران، امیرکبیر.
- _____ (۱۳۶۸) *نقش بر آب*، تهران، معین.
- زندیه، حسن؛ الیاسی، علی‌احمد (۱۳۹۳) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری ابوالحسن غفاری کاشانی»، *پژوهش‌های تاریخی*، دانشگاه اصفهان، سال ۶، شماره ۳، ۱۰۸-۹۵.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۵۷) *فلسفه تاریخ*، تهران: حکمت.
- شرفی، محبوبه؛ حاج عینی، معصومه (۱۳۹۴) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری حافظ ابرو»، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال ۷، شماره ۲۴، ۱۳۹-۱۱۷.
- شورمیچ، محمد (۱۳۹۳) «روش و بینش تاریخ‌نگاری اسکندریبگ منشی در عالم‌آرای عباسی با تکیه بر وقایع گیلان»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء(س)، سال ۲۴، شماره ۱۴، ۱۰۰-۷۹.
- شیرین‌زبان آذر، الهام (۱۳۹۷) «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری ابوعلی مسکویه»، *تاریخ نو*، شماره ۲۳، ۶۸-۵۷.
- صالحی، نصرالله (۱۳۷۹) «تاریخ‌نگری و اصول تاریخ‌نگاری از دیدگاه زنده‌یاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب»، *کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا*، شماره ۳۵، ۲۱-۱۴.
- علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۸۵) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری ابن‌طقطقی»، *قبسات*، سال ۱۱، شماره ۴۲، ۱۹۰-۱۷۱.
- فیاض انوش، ابوالحسن؛ کجباف، علی‌اکبر؛ مهدی روانجی، غلامرضا (۱۳۹۳) «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری خاندان منجم شیرازی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء(س)، سال ۲۶، شماره ۱۸، ۸۹-۱۱۰.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۱، شماره ۲۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ / ۲۵۱

فیضی سخا، مهدی (۱۳۹۳) «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری عبدی‌بیک شیرازی در تکمله الاخبار»،
تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء(س)، سال ۲۴، شماره ۱۳، ۱۲۳-۱۰۵.
قاسمی، حمید؛ کشکر، سارا؛ ایزدپرست، لیلا (۱۳۹۴) روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب، تهران:
جامعه‌شناسان.

مجربی، حسن؛ غلامی فیروزجایی، علی؛ محبی‌فر، عباسعلی (۱۳۹۷) «تاریخ‌نگری و منابع تاریخ‌نگاری
مسعودی (۳۴۶-۲۸۰ق) در کتاب التنبیه و الاشراف»، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه
الزهراء(س)، سال ۲۸، شماره ۲۱، ۱۵۲-۱۳۱.

محمدی، ذکراالله؛ آدینه‌وند، مسعود (۱۳۹۳) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری حمدالله
مستوفی قزوینی»، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء(س)، سال ۲۴، شماره ۱۴، ۱۷۹-۱۴۹.
محمدی، ذکراالله؛ اسمعیلی، پوریا (۱۳۹۷) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری حمزه اصفهانی در کتاب سنی
الملوک و الارض الانبیا»، تاریخ (دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات)، سال ۱۳، شماره ۴۹، ۱۰۱-
۸۵

محمدی، ذکراالله؛ پیروش، محسن (۱۳۹۷) «درآمدی بر روش و بینش در تاریخی ابوعلی مسکویه در
تجارب الامم»، جستارهای تاریخی، سال ۹، شماره ۲، ۴۵-۲۳.
مفتخری، حسین (۱۳۹۳) «تاریخ‌نگری، فلسفه نظری تاریخ»، در مجموعه‌گفتارهایی در باب تاریخ‌نگاری
و روش‌شناسی تاریخی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام.
ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۸) «مطهری و مفاهیم تاریخی در قلمرو فلسفه علم تاریخ»، تاریخ‌نگری و
تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء(س)، سال ۱۹، شماره ۲، ۱۷۰-۱۴۵.
مورن، ادگار و دیگران (۱۳۸۶) اندیشه پیچیده و روش یادگیری در عصر سیاره‌ای، ترجمه محمد یمنی
درزی سرخابی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
میثمی، جولی اسکات (۱۳۹۶) تاریخ‌نگاری ایرانی، ترجمه مهدی فرهانی منفرد، تهران: پژوهشگاه
فرهنگ و اندیشه.

نائیبیان، جلیل؛ جعفری، فرشاد (۱۳۹۰) «بررسی روش و بینش تاریخی عباسقلی آقاباکیخانوف (با تکیه
بر کتاب گلستان ارم)»، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دانشگاه الزهراء(س)، سال ۲۱، شماره ۸، ۱۵۸-
۱۳۷.

ناصری، اکرم؛ سرفرازی، عباس؛ علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۹۶) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری
محمدکاظم مروی در عالم آرای نادری»، تاریخ ایران، سال ۸، شماره ۱۵، ۱۹۹-۱۷۷.
نصیری جوزقانی، عبدالرئوف (۱۳۹۷) «بینش و روش در تاریخ‌نگاری سیفی هروی»، پژوهش‌نامه
خراسان بزرگ، دوره ۸، شماره ۳۰، ۸۰-۶۵.

والدمن، مریلین (۱۳۷۵) زندگی، زمانه و کارنامه بیهمی، ترجمه منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ
ایران.

۲۵۲ / مفاهیم دوگانه در قلمرو دانش تاریخ‌نگاری ایران: نقد راه‌رفته ... / ملایی توانی

ولوی، علی‌محمد (۱۳۹۱) «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری مسلمانان در سده‌های نخست هجری»، در مجموعه گفت‌وگوهایی در باب تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری، به‌کوشش حسن حضرتی و عباس برومند اعلم، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

هیرشلمر، کنراد (۱۳۹۵) تاریخ‌نگاری عربی در دوره میانه: مؤلف در مقام کنشگر، ترجمه زهیر صیامیان گرجی، تهران: سمت.

هیوز، هنری استوارت (۱۳۸۱) آگاهی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: علمی و فرهنگی.



List of sources with English handwriting

- A Study of Historical Method and Insight of Abassgholi Agha Bakikhanov(with Emphasize on Golestan Iram) ", Historical perspective and historiography, Alzahra University (S), year 21, number 8, 137-158.
- Ahmadi, Nozhat; Hassan-Mosafa, Zahra (2009) "Comparative study of historians' political approach in the local historiography of Gilan from the 9th to the 11th lunar century based on the method and vision of historians", Historical perspective and Historiography, Alzahra University (S), year 20, number 5, 1-20.
- Akbari, Mohammad Ali (1382) History, Historian and Theory: An Introductory Plan of a Perspective, a collection of articles on the knowledge of Islamic history and historiography, by the efforts of Hassan Hazrati, Qom: Būstān Keitāb.
- Alizadeh Birjandi, Zahra (2015) " Ibn Taqtaqi's Insight and Method of History Writing", Qobsat, year 11, number 42, 171-190.
- Babaei Siab, Ali; Jan Ahmadi, Fatemeh; Aghajari, Hashem (2018) " The Historical Perspective of Isma'ilis Philosophical Components", Historical perspective and historiography, Alzahra University (S), year 29, number 23, 55-75.
- Bahranipour, Ali (2017) " Europe and Crusade Wars According to Matthew Paris' s Historiography Method and his Historical approach: A General History of Europe or a Transition to "Global History"? ", Islamic History Studies, Volume 10, Number 36, 11-46.
- Davari, Reza (1391) Politics, Thought, History, Tehran: Sokhn.
- Etehadiye (Nezam Mafi), Mansoureh; Foadvand, Hamed (2016), A Comparative Study of Historians' Political Approach to Local Historiography of Guilan between 9 th -11th Centuries, Tehran: Našr-e Tārīk-e Iran.
- Fayaz Anoush, Abolhassan; Kajbaf, Ali Akbar; Mehdi Ravanji, Gholamreza (2013) "Historical perspective and Historiography of Monajem Shirazi Dynasty", Historical perspective and Historiography, Alzahra University (S), year 26, number 18, 110-89.
- Feizisakha, Mehdi (2013) "Historiography of Abdi Baig Shirazi in Takmalat Al Akhbar", Historical perspective and Historiography, AlZahra University, Year 24, Number 13, 105-123.
- Ghasemi, Hamid; Kashkar, Sara; Izadprast, Leila (2014) Methodology of book review, Tehran: Jāme'ešenāsān.
- Hassanzadeh, Esmail (1386) "historiography and historical points of view of emad ai-din katib isfehani", Human Sciences, Alzahra University (S), year 17, number 65, 21-55.
- Hassanzadeh, Esmail(1388) "Vision and Method in "Utbi's" Historiography", historiography and historiography, Alzahra University (S), year 19, number 3, 59-92.
- Hazrati, Hassan (1383) Islam and Iran, a historical review (collection of articles), Qom: Supreme Leader's Representative Institution in Universities.
- Hazrati, Hassan(1388) "Comment on Historical Criticism", Book of Mah, Tarikh and Geography, No. 140, 85.
- Hirschler, Konrad (2015) Medieval Arabic historiography : authors as actors, translated by Zuhair Siamian Gurji, Tehran: Samt.
- Hughes, Henry Stuart (2012) Consiousness and society : the reorientation of European social thought, translated by Ezatollah Foadvand, Tehran: Scientific and Cultural.
- Julie Scott Meisami (2016) Iranian historiography, translated by Mehdi Farhani Monfared, Tehran: Farhang and Andisheh Research Center.
- Mohammadi, Zekrollah; Adinehvand, Masoud (2013) "Insights and methods in the history and historicizing of Hamdollah Mustawfi Qhazvini", Historical perspective and historiography, Alzahra University (S), year 24, number 14, 149-179.
- Mohammadi, Zekrollah; Esmaeili, Pouria (2017) "Insight and Method Historiography of Hamzeh Esfahani In the Sanni al-Muluk and al-arz al-Anbia", History (Islamic Azad University, Mahalat Branch), year 13, number 49, 85-101.
- Mohammadi, Zekrollah; Parvish, Mohsen (2017) "An Introduction to Abu Ali Meskoyi's Method and Historical Insight in Experiences", Historical Essays, Year 9, Number 2, 23-45.

- Mojarabi, Hassan; Gholami Firozgaie, Ali; Mohebifar, Abbas Ali (2017) "The study of the Mas'udi's history (290346 AH) in Altanbihwalashraf with emphasis on sources", Historical perspective and Historiography, Alzahra University (S), Year 28, Number 21, 131-152.
- Mollaiy Tavani, Alireza (2008) "mothahari and historical concepts in realm of philosophy of history", Historical perspective and historiography, Alzahra University (S), year 19, number 2, 145-170.
- Morin, Edgar and others (2006) *Eduquer pour lere planetaire: la pensee complexe comme methode d'apprentissage*, translated by Mohammad Yemeni Darzi Sorkhabi, Research Institute for Cultural and Social Studies.
- Muftakhari, Hossein (2013) "History, theoretical philosophy of history", in a collection of discourses on historiography and historical methodology, Tehran, Islamic History Research Institute.
- Nabiyan, Jalil; Jafari, Farshad (1390)"
- Naseri, Akram; Sarfrazi, Abbas; Alizadeh Birjandi, Zahra (2016) "Insight and method in the historiography of Mohammad Kazem Marvi in the Alamaray-e Naderi", Tarikh Iran, year 8, number 15, 177-199.
- Nasiri Jozqani, Abdul Raouf (2017) "Insights and Method in the Historiography of Seyfi Heravi", Great Khorasan Journal, Volume 8, Number 30, 65-80.
- Panahi, Abbas (2018) "Gregory Yeghikian's Historiographical Method and Standpoint in the Soviet Union and Jangal (Jungle) Movement", Historical perspective and historiography, Alzahra University (S), year 30, number 24, 43-64.
- Razavi, Abolfazl (2014) *An introduction to Iranian-Islamic historiography with an emphasis on Yaqubi, Maghadasi, Gardizi, and Ebn Fandogh*, Tehran: Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Rosenthal, Franz (1366) *History of historiography in Islam*, translated by Asadullah Azad, Mashhad: Astān Qods Razavi.
- Rouhani, Kazem (1371) "From historiography to Historical perspective", Keihan Andisheh, No. 42, 87-100.
- Salehi, Nasrullah (1379) "Historiography and the principles of historiography from the perspective of the biography of Dr. Abdul Hossein Zarinkoob", Kitab Mah, Tarikh va Geogriya, No. 35, 14-21.
- Sharifi, Mahbube; Haj Aini, Masoumeh (2014) "insights and methods in the historiography of hafez abrow", Islamic History Studies, Year 7, Number 24, 117-139.
- Shirin-Zaban Azar, Elham (2017) " Historical perspective and Historiography of Abu Ali Moskuyeh", New History, No. 23, 57-68.
- Shoormeij, Mohammad (2013) " method and insight historiography eskandar bayg monshi in tarikh-e ' alamara-ye ' abbas (depending on the events of guilan)", Historical perspective and historiography, Alzahra University (S), year 24, number 14, 79-100.
- Soroush, Abdul Karim (1357) *Philosophy of History*, Tehran: Hekmat.
- Torkameni Azar, Parveen (2015) *An introduction to historiography in Iran (from the beginning of the Islamic period to the Mongol invasion)*, Tehran: Research Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Valavi, Ali Mohammad (2012) "Historical perspective and historiography of Muslims in the first centuries of Hijri", in a collection of conversations about Historical perspective and historiography, edited by Hassan Hazrati and Abbas Broumand A'lam, Tehran: Research Institute for Islamic History.
- Waldman, Marilyn Robinson (1375) *Toward a theory of historical narrativ: a case study in Perso - Islamicate historiography*, translated by Mansoure Etehadiye, Tehran: Tarikh Iran Publishing House.
- Zandieh, Hassan; Eliasi, Ali Ahmad (2013) "Insight and method of historiography and historical perspective of Abu l- Hasan Gaffari Kāsāni", historical researches, Isfahan University, year 6, number 3, 95-108.
- Zarinkoob, Abdul Hossein (1383) *Tārīk dar Tarāzū*, Tehran, Amīrkabīr.
- Zarinkoob, Abdul Hossein(1368) *Naqš Bar Āb*, Tehran, Moīn.



Discrepant concepts of Iranian historiograph; Criticism of the past way and Presenting a new way¹

Alireza Mollaiy Tavany²

Received: 2020/10/20
Accepted: 2021/03/11

Abstract

Historiography is one of the youngest branches of historical sciences, concerned with the critical reflection of historical texts, as well as with the thought, discourse, style, method, and performance of historians. So far, historiography in Iran has been understood in various forms, causing many concerns and risks. Critical reflection on the research shows that the conceptual dualities of "vision and method" and "historiography and conception of history" have been mainly used as analytical frameworks in these studies. However, the problem is that the same terms have different meanings, which has confused researchers in the field. This article has tried to criticise the existing dualities and to show how these terms are used in some research works. It has revealed some theoretical and practical confusions and answers the question: is it possible to create a new methodological framework in this direction? In order to get out of the current confusion, the article concludes that a new plan must be elaborated within the framework of "knowledge of historiography" and its main branches, namely "historianology" and "historical textology". Finally, the article proposes three research formats: "historian-centred," "text-oriented," and "combined" approaches, and speaks of the conceptual-theoretical approaches of the philosophy of history and the theoretical philosophy of history as a framework for research in this science.

Keywords: Vision, Method, Approach to history, Historianology, Historical Textology.

1. DOI: 10.22051/hph.2021.33257.1467

2. Professor of History in Institute for Humanites and Cultural studies, Tehran, Iran.

mollaiy@ihsc.ac.ir

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507